



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۸۶

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه یکشنبه اول خرداد ماه ۱۳۱۱ - ۱۶ ترم ۱۳۵۱

قیمت اشتراك سالیانه داخله ۱۰۰ تومان
خارجه ۱۲۰ تومان
تک شماره: بکفران

مطبعه مجلس

شماره مسلسل - ۵۰۱

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه اول خرداد ماه ۱۳۱۱ هـ (۱۶ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس.
 (۲) شور اول لایحه اعتبار ذغال سنگ اطراف شهر تبریز.
 (۳) شور دوم لایحه اصلاح انحصار تبرک.
 (۴) موافق و دستور جلسه بعد - غنم جلسه.

مجلس يك ساعت و نيم قبل از ظهر بريت آفای دادگر تشكيل كردید

صورت مجلس روز پنجشنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *#*

[۱ - تصویب صورت مجلس]

دلیس - آقای دهستانی

جمشیدی - بنده هم میخواستم راجع آقایان دکترمستوفی معتمد مستوفی عرض کنم که آقایان در صورت مجلس غائبی اجازه نوشته بودند خواستم تذکره عرض کنم که ایشان استعجازه کرده بودند.

دهستانی - آقای امیر ابراهیمی را غائب بی اجازه نوشته بودند خواستم تذکره عرض کنم که ایشان استعجازه کرده بودند.

دلیس - برای اینکه ممکن است سئوالات دیگری هم که میشود از این مقوله باشد برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که کتب بیون عرایض و مرخصی اظهار موافقت کرده ولی بواسطه تعطیل جریان طبیعی خود در انکرده است.
 آقای جمشیدی

دلیس - اصلاح میشود. آقای بروجردی

بروجردی - بنده را غائب خواندند چون فرمودند

اصلاح میشود دیگر عرضی ندارم

دلیس - آقای عراقی

*# عین مذاکرات مشروح هشتاد و ششمین جلسه از دوره هشتم تفنیه . (مطابق قانون آذر ماه ۱۳۰۰)
 دائره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد.

غائبین با اجازه - آقایان: آشتیانی - دانش خان - ملک آراهی

غائبین بی اجازه - آقایان: محمود تاش - انصاری - حاج میرزا حبیب اللهی - دکتر امیر اظم - امیر ابراهیمی - میرزا صدیق احمدی - حاج حسین آقا مهدوی - طهرانی - معتمد مستوفی - دکترمستوفی - میرزا محمد تقی بروجردی - یونس آقا مهدوی - عبدالعزیز خان دینا محمد تاش خان اسعد - آقا زاده سبزواری - محسن خان قراگوزلو - دیر سهرابی - شریعتزاده
 ویرانمندان بی اجازه: آقایان لیقانی - عراقی - مسعود تاشی.

عراقی - عرض بنده هم راجع باینر جنگ بود
رئیس - اهم اصلاح میشود. در صورت مجلس دیگر
تقریبیست (گفتند - خبر) صورت مجلس تصویب شد
[۲] - شور اول لایحه امتیاز زغال سنگ اطراف
شهر تبریز
رئیس - جمی از آقایان نمایندگن غاضبا کرده اند
که اعطاء امتیاز زغال سنگ اطراف تبریز مطرح شود.
(صحیح است)

خبر کبیرون

کبیرون اعتماد ملی در دو جلسه با حضور آقای رئیس
و نماینده اداره کل صناعت لایحه امره ۸۹۵ دولت را
راجع باطله امتیاز زغال سنگ اطراف شهر تبریز باقی
مسعود خان عدل مطرح نموده بطریق ذیل مواد ان را با
موافقت رئیس کل صناعت تصویب و خبر ابراهیم مجلس شورای
ملی عرضه میدارد.

ماده ۱ - مجلس شورای ملی با اداره کل صناعت اجازه
میدهد که امتیاز انحصاری مانع لایحه استخراج و استناده
از معادن زغال سنگ اطراف شهر تبریز را از نشطه
مرکزی ارگ تا دوازده فرسخ از هر طرف برای مدت
پانزده سال باقی میرزا مسعود خان عدل اعطاء نماید.

ماده دوم - دولت میتواند استخراج یکی از معادن
زغال سنگ واقع در منطقه امتیاز را برای خود محفوظ
داشته و ارا استخراج نماید. انتخاب معدن مزبور باید
در ظرف یکسال از تاریخ اعطای امتیاز بعد از آمدن مواصاحب
امتیاز کتباً اطلاع داده شود.

ماده ۳ - مؤسسات مربوط باین امتیاز از تاجیه هر
گونه مالیات درین مجال اول مدت امتیاز معاف خواهند
بود پس از آن باید فقط سدی پنج ۰/۰۰ عایدات خالص
خود را همه ساله بدون کسر بپردازد. ترتیب تعیین و تشخیص
عایدات خالص بموجب قرارداد چنانکه بین دولت
و صاحب امتیاز معین خواهد شد.

ماده چهارم - صاحب امتیاز با منظور داشتن مخارج
شوروی اداری و بهره برداری و حقوق دولت و وجوه

لازمه برای استهلاك سرمایه و کسر و فضایی که برای
آلات و ادوات باید منظور داشت قیمت زغال را بمیزانی
باید معین کند که بیش از صدی بیست ۲۰/۲ بعنوان
منفعت خود علاوه نشده باشد.

تیسره - برای مقادیری که دولت جهت احتیاجات
خرد اذیاع خواهد نمود فقط صدی ده ۱۰/۰ نفع منظور
میشود.

ماده ۵ - سایر شرایط این امتیاز مطابق مواد ۲، ۳،
۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲
۱۴ - ۱۵ - ۱۶ و قانون مهرماه ۱۳۰۹ راجع بامتیاز
زغال سنگ اطراف شهر مشهد خواهد بود.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای ملک زاده
دکتر مملو فرهاد - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

روحی - بنده اول اجازه خواستم.

رئیس - آقای طباطبائی شما در ماده اول اجازه
خواسته بودید.

طباطبائی - خبر در کلیات است آقای.

رئیس - این خط خودتان است در ورقه خارج
بمجلس نوشته شده ماینه بفرمائید.

طباطبائی - این ورقه لایحه تریک است بنده در زغال
سنگ اجازه خواسته بودم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مولی احمدی - بنده با اینکه کاملاً با امتیاز معادن
موافقت نمائم اینک معادنی که در این مملکت در اطراف
هست هنوز از شان استفاده نشده این يك موضوع است
که واقفاً خیلی قابل اهمیت است و باید موافقت کرد
لکن يك موضوعی است که لازم است بحرض آقایان برسد
و آن این است که ما بر حسب ترتیبی که بین خودمان
مقرر است باید مطالب اول در فرآ کسیون مطرح شود
و مطابق دستور که داریم در فرآ کسیون مذاکره کنیم
و بکنیم بعد که تصویب شد بایب مجلس این لایحه در فرآ کسیون

مطرح نشده و فقط عرض بنده این بود که باید در
فرآ کسیون مطرح شود بعد بایب مجلس

رئیس - آقای دبیبا موافقتی؟

دبیبا - مخالفم

رئیس - آقای فاطمی موافقتی؟

فاطمی - بله بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

فاطمی - بنده مخالفی ندیدم که موافقت خود را عرض
کنم فقط مطالبی را که آقای مؤید احمدی فرمودند این

مسئله همینطور است که تذکره دادند در قسمت لایحه مهم
همینطور بوده است ولی خیلی لایحی را هم بنده سراغ
دارم که در همین جلسه گذشته با اینکه در فرآ کسیون
نیامده بود در مجلس مطرح شد (طباطبائی - این دلیل
نمیدود آید) بعلاوه موضوع هم موضوع مهمی نیست
(طباطبائی - خیلی مهم است) از نقطه نظر تشویق مهاجرت

از نقطه نظر اینکه مجلس شورای ملی خصوصاً باین لایحه را
با خیلی اظهار رضایت و خوشنودی تلقی میکند مهم است.
نه از نقطه نظر اینکه چون در فرآ کسیون مورد مذاکره
نمده مهم است و در مجلس نباید مطرح شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - موافقم

رئیس - آقای دبیبا

طباطبائی دبیبا - بنده اساساً با استخراج معادن گال
موافقت را دارم خاصه نسبت بآذربایجان که در آنجا يك
معدنی هست که حقیقتاً خیلی خوب و قابل استخراج است
حتی همین طلا هم دارد و آنچه شنیده شده از طرف
اداره صناعت هم در استخراج آنها اقدامی شده است
ولی نسبت باین لایحه بخصوص اولاً عقیده بنده هم این
است که آقای مؤید احمدی فرمودند مهیود ما این بود
که بدو این لایحه می آمد در فرآ کسیون و مذاکره میشد
و هر کس که سابقه داشت نسبت بان لایحه می گفت
ترجمی میکردند و بعد در مجلس مذاکره میشد

ولی نسبت باین لایحه در خارج هیچ صحبتی نشده است
(صحیح است) غالب آقایان نمایندگان آذربایجان که سوابقی
در آنجا دارند که بایب راجع باین لایحه در خارج صحبت
کنند بنا بر این عقیده بنده این است که این لایحه امروز
از دستور خارج شود و در فرآ کسیون صحبت بشود بعد
در اسان لایحه عقیده بنده کلاً این است در باب معادن
که دولت باید کلی قانون کلی تنظیم و تقدیم مجلس نماید
که در تحت آن قانون تمام مردم تشویق شوند و بروند
استخراج کنند معادن را و الا هر روزی يك معادن
مخصوص را بشناس امتیاز بدهیم این به عقیده بنده صحیح
نیست و راجع باین امتیاز هم این امتیاز البته يك سرمایه
کلی میخواهد و در این لایحه هیچ سرمایه معین نشده و آنچه
بنده در خارج شنیده ام دهمزار تومان سرمایه تعیین کرده اند
ولی این ده هزار تومان ابداعاً کافی نیست اگر مقصود صاحب
امتیاز این است که مردم بروند این معدن را استخراج
کنند امروزه در تبریز مردم هستند که خودشان میروند
و استخراج میکنند آنها را و می آورند باری پانزده فران
میروند و اگر مقصود صاحب امتیاز این است که اکثر
بدون اینکه سرمایه داشته باشد بدون اینکه يك عملیات
وسیعاً عمیقاً داشته باشد برود استخراج کند پانزده فران
سه تومان بفرود او يك عملی است و الا این کار سرمایه
کافی میخواهد و باید اینجه معین شود و یکی دیگر اینجه صدی بیست
منفعت معلوم شده است من نمیدانم کدام سرمایه است در دنیا که
پس از وضع مخارج صدی بیست هم صاحب امتیاز منفعت کند این
است که بنده باین لایحه مخالفان دارم و هم عقیده ام این است
که این لایحه بایب در فرآ کسیون و صحبت شود و آقایان
نماینده شان را بگیرند بعد بایب در مجلس چوت غل
لایحه مهم است و باید نسبت بان در فرآ کسیون تصدیق کلی
انجام شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اگر غرض آقای دبیبا کسی باین لایحه
مخالفت میکرد غریب نبود ولی خیلی تعجب است که ایشان

در این موضوع مخالفت میکنند! عرض کنم که بنده استدلالاتی دلیلی ندارم غیر حق میدانم بکسی از استدلالان این است که باید بفراکسیون برود بنده عرض میکنم نباید برود چه لزومی دارد که بفراکسیون برود فقط مائمهیم گرفتیم در لوابیجی که در فوریت دارد (دیبا - اینطور نبود) برای اینکه مبدا نظریه دولت با نظریه مجلس عطف باشد برود در فراکسیون که در اینجا حل شود بعد بیاید در مجلس والا لایحه که دوشوری است و یک شورش در مجلس میشود و بعد میروند بکسیون و در آنجا درش شور میشود صحبت کردن در آن کتابک ندارد اصلاً علت اینکه فراکسیون ضمیمه گرفت که اولیاً قبلاً نباید برود برای لوابیج بود فوری بود (دیبا - خوب در تمام لوابیج بود) اما در شوری اینطور نیست آقا (طباطبائی دیبا - اینطور میشود) اغلب لوابیج دولت بدون اینکه بفراکسیون برود در مجلس مطرح میشود بطوریکه آقای قاسمی گفتند بدون اینکه برود به فراکسیون اعضاء فراکسیون هم اینجا هستند فقط فراکسیون برای لوابیج در فوری است که در فراکسیون بطور خصوصی صحبت شود و قضایا را حل کنند یعنی نظر دولت و نظر مجلس با هم یک راه حلی پیدا کنند والا لوابیجی که دوشوری است در مجلس مطرح میشود و بعد میروند بکسیون بعد دوباره بکسیون تشکیل میشود و از آنجا بر میگردند این هیچ لازم نیست که بفراکسیون برود و بعقیده بنده نظریه شما بکلی مخالف با آن اصل است که ما اتخاذ کردیم (چنین اصل بود) عرض کردم مگر ملاحظه فرموده‌اید چند لوابیجی به مجلس آمده است که بفراکسیون نرفته است. آقایان وکلاء برنمایند چه قدر از این لوابیج مجلس می‌آید (غائبان - خیال آقا) (طباطبائی دیبا - هر لایحه آمده است باید برود بفراکسیون) پس بنا بر این حال لوابیج ندارم که هر لایحه را که در مجلس مطرح میکنیم در فراکسیون هم مطرح کنیم و این الزام بدلا یا بلام است

عرض کنم که يك مسئله دیگر که گفتند که بکلی استدلالان موج نبود این است که میفرمایند اساساً يك لایحه بیارند بمجلس برای کلبه معادن این حرف صحیح است اما این دلیل نبود برود اینکه اگر يك لایحه که برای يك معدن آوردند تصویب نشود عریضاً میگویند مالا بزرگ کنگه لایحه کنگه یعنی وقتیکه دست بعینه چیز نبرسد افلا به جزئیتر برسد چه عیب دارد آقا شما وقتی که دولت يك لایحه کلی بیارود از برای تمام معادن اگر از برای يك معدن آورد مخالف هستید؟ این بعقیده بنده استدلال وارونه است عرض کنم يك قسمت دیگر بود که بنده بهیچوجه آرا نهمیدم گفتند ما آذربایجان را باید در خارج باجهت کنیم (دیبا - بنده چنین عرض نکردم) خوب میفرمایند نکتته‌های یکی دیگر راجع سرمایه ملی است میفرمایند که در هزار تومان است اما از کجا میدادید که سرمایه دو هزار تومان است (دیبا - به بنده گفتند دو هزار تومان است) همین کنید اینجا (رنک رئیس) عرض کنم يك شرایطی این جا در قانون امتیاز زغال سنگی است که بخراستایان داده اند که ما ضوابط کرده ایم نوشته مطابق آن شرایط عمل شود و آن يك قانون فصل و مشروحات است که در شور هم در مجلس درش شده است و بعقیده بنده آنچه باید عمل کنند از روی آن عمل خواهند کرد و يك چیز دیگر را ما باید در نظر بگیریم و آن این است که ما هر قدر بتوانیم شرکت در این مملکت تشکیل بدهیم و هر قدر مردم را نتوانیم بکار و استخراج معادن کنیم برای ما فایده دارد اصلاً معین زیر زمین برای مقابله با آن کاملاً بنده خیال میکنم که صد ها هزار میلیون یورو دولتی وقتی دستم بپوش نبرسد چه فایده دارد ما وقتی که معین زیر زمین داشته باشیم و استخراج کنیم داخل وطن ما استفاده نکنند چه فایده دارد (دیبا - با شرایط صحیح) خوب شرایط همین است که در استخراج معادن زغال سنگ مشهود کردیم (دیبا - این دلیل نبود) همین قانونی است که از مجلس شورای ملی گذشته است و منتها این دفع درش شده

دولت برایش قائل شده است نسبت بهمان امتیاز سابق که در عیران داده شده است و اما اصول کلی که آقایان فرمودند برای استخراج معادن نه این است که اداره صناعات ایتیمو موضوع را فراموش کرده باند بنده یکی از اصول مهمی را که از آن روزی که باین خدمت منتخبر شده ام در نظر داشته ام این بوده است که یک قانون کلی برای معادن در نظر بگیریم و با اکثر همکار های مجلس هم مشورت کرده ایم و لایحه هم تهیه کرده ایم معلمانی هم شده است ولی دولت بیک دلال و چشانی که قلمنا از دلالان من حکم تر است فلا صلاح نمیداند و شاید همینطور که لایحه فردی را تقدیم مجلس شورای ملی کرده است برای سیاست اولی و انسب باند و تصور میکنم آقای هم باین لایحه موافقت فرمایند هم خدمتی بآذربایجان ما هم خدمتی باوضاع اقتصادی مملکت کرده اند

نایبندگان - کافی است آقای

ولیس - آقای انسر پیشنهاد خروج از دستور را کرده اند که تقدم نظامنامه دارد قرائت میشود .

پیشنهاد آقای انسر :

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه زغال سنگ از دستور امروز خارج شود و در فراسیون اولاً مطرح شده بعد بمجلس بیاید .

ولیس - آقای انسر .

انسر - اختلاف نظر های که بین نمایندگان و دسته های مختلف در مجلسهای قدیم بود و برای کارهای کوچک وقت زیاد تلف میداد و لایحه های کوچک چندین روز وقت مجلس را میکرفت و مگر میشد چنانچه ملاحظه میفرمائید برای فروش چایبار خانه اسفهان که سی تومان قیمت کرده بودند چهار جلسه مجلس هدر رفت بالاخره یکی از نتایج این عصر خصوصاً این بود که اختلاف نظر هائی بین آقایان پیدا نمیشد و باین وحدت نظری امور حل میشود و یکی از اسباب کارها مسئله فراسیون بوده که مرتباً آنجا مذاکره

فرودند بچاله کندن نمیشود ولی چون باید با نظر آقایان همراهی کرد و نظرشان را محترم شمرد . بنظر بنده هیچ چیزی ندارد که آقایان موافقت فرمایند که از دستور خارج شود و برود بفراسیون اگر دلائلی نبود که ما واقع کنند این جا کاملاً مبارزه کنیم اگر هم بود خوب فکریش را میکنیم و اصلاح میکنیم معذک نام عیاض بنده از نظر موافقت است و اگر به پیشنهاد بنده رای دادید معلوم میشود که واقعا نظران این است که این مهم است و باید برود در خارج و حل شود و اگر رای ندادید معلوم میشود اهمیتی ندارد و نظر مجلس این است که باید الان بگذرد و بنده هم موافقت و رای خود را خواهم داد .

طریقچی (مخیر کبیریون) -

دشمن فرمودند این لایحه در مشورتی است و این شور اولش است و تا شور دومش بر میگردد به کبیریون و ممکن است اگر نمایندگی محترم و آقای دیبا نظریانی دارند بکبیریون تشریف بیاروند در فراسیون هم ممکن است مطرح کنیم این لایحه در کبیریون اقتضا مکه معطرح شده اند نمایندگن آذربایجان هم بودند و توضیحاتی داده شد آقای فرش و آقای انصار بودند (طباطبائی دیبا - نمایندگان آذربایجان ۲۶ نفر هستند) ولی باز هم هیچ مانعی ندارد که نظریه آقایان را تا همین کتیم و در فراسیون هم تصور دوم لایحه را مطرح کنیم و این نظریه هیچ منافذی ندارد با اینکه این لایحه مطرح شود .

ولیس - آقایانیکه با خروج از دستور موافقت دارند قریب فرمایند .

(عده قلیلی برخاستند)

ولیس - تصویب نشد . فرمودید مذاکرات کافی است آقایان که موافقت فرمودند در مواد دارند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود : ماده ۱ - مجلس شورای ملی باره هر کل صناعات

اجازه میدهد که امتیاز اسامی را مانع القیر استخراج و استفاده از معادن زغال سنگ اطراف شهر تبریز را از نقطه مرکزی اربک تا دوازده فرسخ از هر طرف برای مدت پانزده سال بقای مرزا مسعود خان عدل اعطاء نماید .

ولیس - آقای روسی .

روسی - عرض کنم که عیاض بنده غیر از نام این قسمتهائی بود که آقایان محترم همکار های بنده فرمودند بنده پیشنهاد گذاشته همیشه بکتری بوده ام که منتهای آرزو و آمالم این بوده است که در این مملکت شرکت تأسیس بشود معادن استخراج بکنند و از منابع قدیمی این مملکت حقیقه استفاده کنند و معام حقیقه روال دینارا پیش بگیریم و باین تربیاتی که همه دنیا هست پیش برویم ولی متأسفانه در عمر مجلس که ما بوده ایم یک دوسه فقره اتفاق افتاده است که آهم برای بنده جز باین هیچ چیز دیگری حاصل نکرد . بنده واقفاً فکر میکنم که دولت که احاطه دارد در واقع بشام قسمتهای مملکت و افراد چرا اینها را وقت نمیکند و چرا از گذشته فریادی ننویسد و بناسبه باین قضایا و امتیازاتی که داده است چرا اقدام نمیکند . البته امتیاز خوب است و این مملکت و وطن ما است و باید بدست ما آباد شود ما هم بکنیم

نسل های بعدی آیند و آباد میکنند ولی امیدوارم که ما هم موفق بشویم این کار را بکنیم و مملکت را رو به آبادانی ببریم عرض کنم خاطرم می آید در مجلس پنجم یک امتیازی داده شد به آقای عزت الله خان هدایت و حاسن خان هدایت برای رب سوس آقایان آمدند و مجلس هم با یک سلام و صلواتی و باینک باشستی که میخواستند از جانب صحرا رب سوس استخراج کنند امتیاز را دادند حساب کردیم ما نمایندگان هم این امتیاز مناقش چه قدر است که صادرات هم مملکت خواهد بود و ریاب تجارت در این مملکت مفتوح خواهد شد و حقیقه با یک اشتیاقی ما این امتیاز را داریم و حالا چند سال است که این آقایان این امتیاز را در جیبشان گذاشته اند و ما هم یک ماده

نیکداریم اگر بماندند و نکرده خسارت ملکات را بدهند لافلاف خسارت اوقات کراهی مجلس را بدهند. (ابن جلد مجلس شورای ملی را حساب کنید که برای ملکات چندین تمام میشود) این خیلی کران است آقا خیلی ذوقیست است خیلی چیز آسانی نیست آقا مبلغ ما خرج میشود چه خرج انتخابات چه خرج مباشرت چه خرج دواتر فقهیه مجلس تا یک قانونی بگذرد آقوت صاحب امتیاز آرا میگزاره به جیبش و میرود و عدل نمیکند این میشود کمال لایکین شیئا مذکورا یکی دیگر موضوع چاه آرزین زد بود که در دوره ششم امتیاز آرا دادند بیک تاجر رشتی خاطر همست آقا فیروز آبادی اگر نظر ندان باشد آقا دیبا (دیبا - بی صبح است) همیشه این چسای صبح بلند میشد و خواهم میگردد که این را مقدم دستور قرار بدهند آرا هم با یکسلاص و مساوی گذراندم و گفتیم که در یک آرا دی و خشکی مردم نزد چاه آرزین احداث میکنند آب فوران میکند چندین زراعت میکنند و بالاخره زدی ها از این عسرت و تنگی آب و بد بختی خلاص میشوند او هم امتیازش را گذاشت جیبش و رفت و هکذا امتیاز انبوس را می دادند و امثال اینها من متمجبم که دولت چرا یک مدتی قرار نیکداری که اگر در ظرف چند سال باین امتیاز عدل نکرده ملحق خواهد بود این امتیازش یا لافلاف خسارت آن اوقات کراهی بودی مجلس را بدهد اینها آقا باید بروند سرمایشان را تهیه کنند کارهای مقدمه نشان را بکنند متخصیص خودشانرا تهیه بکنند فور و بقیه مال خود را بسنجند و به بیستد آقوت قاضای امتیاز بکنند و بگیرند (رئیس کل صحنه ۲ و ۳ قانون امتیاز وب سوس را ملاحظه فرمائید) و الا همینجور میباید و امتیاز بگیرند و بروند که نمی شود فردا هم بنده میگوام از دوست قدیمی خودم آقا فیروز متانت تقاضا کنم به بنده هم امتیاز یک قطعه از کرامتار مرحمت کنند. الان اینجا ماده دو سه راجع بر آب سوس و آقا فیروز رئیس کل متانت تذکر دادند خوب چطور شد!

راجع بچاه آرزین زد تذکر دادند چطور شد؟ بفرمائید عقیدم این است باین لافلاف قید شود و اقامت ما تعقیب کنند آقا دیبا خوب تذکر دادید بیک مسئله متعلق سرمایه است این با چه مایه میخوراند این قسمت را تعقیب نماید و استخراج کند خودتان بفرمائید در مسأله اولی و قسمتهای تحت الارض معلوم شده است که مماند که متعلق است بنمایین باید این با یک سرمایه کل درش بپردازد تا استخراج بشود سرمایه پنج هزار تومان بیست هزار تومان بنده کدام نمی کنم بتوان معدن استخراج کرد؟ هم عقیده ممان اجازه بدهند در امتیازات بطور کلی این قسمت ما تصریح شود که تا مدی چهل چهل و نه سرمایه خارجی هم شرکت کند هیچ عیبی ندارد وقتی باین سرمایه اکثریت بدست ما ایرانی ما بود البته آنت اقلیت متعلق ما است باید سرمایه ای لایق خارجی را بیاوریم بنده عرض کردم ما با خارجی های سیاست پاف کبار داریم ولی با تاجر و کاشی کمال موافقت را داریم و خیلی ممنون می شوم که سرمایه شان را بیاورند معدن را استخراج کنند آنها هم استفاده ببرند بنده منظور این بود که راجع به قسمت های گذشته تذکری بدهم والا باین لایحه هم مخالف قسمتهای آرزوی بنده هم هست که باین کار اعالی آذربایجان اهل وطن بنده آمدن است و این امتیاز را خواست است ولی فکر اجزای این را بکنید. فکر اوقات مجلس را بکنید که تضییع می شود و یک امتیازی داده می شود ولی اجرا نمی شود

مخیر - عرض کنم فرمودند که ممکن است امتیاز داده شود و نگاهداشتن شود این قسمت در ماده سه امتیاز پیش بینی شده است زیرا در ماده سه قانون امتیاز ذغال سنگ شهر مشهد هست که این هم جزو شرایطی است که موکول بهمان ماده سه آن قانون کرده است و در آفتاب کمالا پیش بینی شده است که نامدت شش ماه سابق امتیاز باید شروع عملیات بکند و تا مدت سه ساله بپردازد کفایت استخراج ذغال سنگ بکند و تا سال چهارم اگر معدنی استخراج نکرد اصلا از حدود امتیاز این شخص خارج است. این نظر در ماده سه امتیاز ذغال سنگ مشهد

انذار شده است و در آفتاب تأمین گردیده است در این قانون هم متنی به الصراحه نیست فقط اشاره شده است عرض کنم در قسمت سرمایه آهم در ماده سه پیش بینی شده است زیرا که باید صاحب امتیاز در مدت سه سال کلیه احتیاجات شهر تبریز را از حیث ذغال سنگ دفع کند و کوشش در ازدیاد هم بکند و بدین جا هست که هر جا را که بکند از حوزه امتیازش خارج است بنا براین صاحب امتیازی کوشش خواهد کرد که سرمایه اش را زیاد کند تا بتوان معدن را استخراج کند در قسمت سرمایه خارجی هم باز بنده تصور میکنم در این قانون پیش بینی شده است زیرا دیدگی از مواد آن قانون هست که اجازه می دهد که تا یک مقداری از سهام آن شرکت را میتواند و بیع خارجی بفرورد البته تنگی شرکت را هم اجازه داده است باین صاحب امتیاز تمام این مسأله که فرمودند بنده تصور میکنم در اینجا هست

متنی به صراحت عبارتی نیست بلکه در دهان ماده ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ امتیاز شهر مشهد هست که در آفتاب نظر آفتاب کمالا تأمین شده است.

رئیس - آقا بیات
بیات - عرض دارم
رئیس - آقا فیهی
فیهی - عرض ندارم
رئیس - آقا روحی
روحی - عرض ندارم
رئیس - آقا دبا

طباطبائی (دیبا - بنده یک توضیحی از آقا فیروز رئیس کل متانت بخواسم و آن این بود که آنچه بنده شنیدم

اساساً یک نفر در آنجا باین نسبت برودت و مهر از ورود یک اجازه استکشافی داده اند و رسماً هم از طرف اداره کل متانت یک شرحی به آن نوشته شده است ظاهراً آقا احتیاجات منسوب باشند که توسط ایشان بوده است

راجع باین شخص کل این اجازه را میدهند چنانچه احتیاج خواهد شد.

رئیس کل متانت بطوریکه خود نمایندند غیر مرموزند

ماده دوم - دولت میتواند استخراج یکی از معدن ذغال سنگ واقعه در منطقه امتیاز را برای خود معنوظ داشته و آن را استخراج نماید اشخاص معدن مزبور باید در ظرف یکسال از تاریخ اعطای امتیاز بعمل آمده و به صاحب امتیاز کتباً اطلاع داده شود.

رئیس - اشکال نیست؛ (نمایندگان - خبر) ماده سوم قرائت میشود.

ماده سوم - مؤسسات مربوطه باین امتیاز از تأدیقه هرگونه مالیات و عوارض در پنج سال اول مدت امتیاز معاف خواهند بود پس از آن باید فقط مدی عایدات خالص خود را هه ساله بدولت بپردازد ترتیب تعیین و تشخیص عایدات خالص بوجه قرارداد گذاشته بین دولت و صاحب امتیاز معین خواهد شد.

رئیس - اشکالی نیست!
دکتر طاهری - اجازه میفرمائید
رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - بنده خواستم سؤال کنم که اینک موثقه است مؤسسات مربوطه باین امتیاز از تأدیبه مالیات معافیت مقصود چه چیز است؟ آیا مقصود است از مالیات عوارض معاف بشود؟ مثلاً ذغال سنگی که استخراج میشود و بشهر می‌آوردند عوارض پلیدی می‌دهند یا نه زیرا اسم مؤسسه که ذغال و محصول هم اطلاق می‌شود اگر مقصود است که محصول هم معاف باشد یا بشهر عوارض را تغییر داد و اگر مقصود است که اصلاً این شرکت از پرداخت مالیات معاف باشد که با این طوری می‌شود که از تمام عوارض معاف است که از تمام عوارض محصول هم معاف است اولاً که موجهی ندارد که از عوارض پلیدی معاف باشد و ثانیاً اینکه این عوارض هم وفا نمی‌کند حال آنکه کماش است توضیح بدهند

رئیس اداره کل صنایع - بنظریکه در ماده ذکر شده است در اینجا مقصود از مالیات مالیاتهای است که قانون برای این قبیل شرکتهای وضع کرده است عوارض پلیدی هم بک موضوع جداگانه است و هیچ مربوط به عمل ما نیست. شهر خودش یک نمایندگانی دارد بک عوارضی وضع میکنند که مربوط به نیست و نه دادخانه داریم. وقت پنج سال اول هم برای این است که سه سال اصلاً معافت بهره برداری حاصلی نمی‌دهد که مالیاتی بخش تلقی بگردد در قسمت معدن باید این چند سال را معافیت داد تا بموصول برسد این است که این چند سال از آن مالیاتهای که برای مؤسسات معین شده و تصویب شده است باید معاف باشد و این البته بک چیز لازمی هم هست اینرا اگر اینقدر مساعدت نکند ممکن نیست که موفق بشود و این در سه چهار سال اول هم این بک بخشش با متوجهی هم نیست زیرا که اصلاً موضوع ندارد در سه چهار سال اول.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود
ماده چهارم - صاحب امتیاز بانظرو داشتن مخارج ضروری اداری و بهره برداری و حقوق دولت و وجوه لازمه برای استهلاک سرمایه و کسر و تصفای که برای آلات و

ادوات باید منظور داشت قیمت ذغال را بهیترانی باید معین کند که بیش از صدی سیست بشنوان منتف خود علاوه نفعه باشد.

نمبر - برای مقادیری که دولت جهت احتیاجات خود اتباع خواهد نمود فقط صدی ده نفع منظور میشود.

رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - ما در بیان اعتبار بدو قسمت مقرر میشود یکی معدن مکشوفه است و دیگری معدن غیر مکشوفه همانطوری که آقای دینا فرمودند یعنی سینه البته معدن مورد ندارد چونکه معدن مکشوفه البته بطور کلی ناپستی معامله عایدی است و معامله عایدی البته بطور کلی ناپستی صدی سیست منتف برایش منظور کرد و اما معدن غیر مکشوفه نظر باینکه ممکن است که امتیاز گیرنده سرمایه خود را بکلی ستمناک بکند و بالاخره کلاهش نهد و بک خسارت فوق‌العاده برش وارد باید اینجا است که بک منتف فوق‌العاده برایش منظور میدانند که اگر موفق شود استفاده از این نباید و اگر موفق نشود که اصلاً سرمایه‌اش از این مین رود در اینجا بنده دیدم که ذکر میکند که مقادری استهلاک نامود در صورت استهلاک سرمایه و کارش عقیدم این است که صدی سیست منتف زیاد است اصل سرمایه که برای استخراج (یعنی برای اینکه دسترس با استخراج پیدا بکند) خرج شده این ناپستی استهلاک خود سرمایه استهلاک خود و معذک صدی سیست هم منتف بگردد بپستی بداز وضع مخارج عادی سالیانه بداز استخراج آنها آنوقت صدی سیست هم منتف بگردد بقیه بده آنها اصلاحی لازم دارد

مخیر - عرض کنم این قسمت منافع که فرمودند بنظریکه خودشان هم فرمودند اینجا مدنی است که هنوز مکشوفه نشده و بپستی صاحب امتیاز برود آنجا باقی خرج که آنها معلوم نیست که آیا معدن باصنعت است یا نه زیرا هر معدنی معلوم نیست که منتف داشته باشد یا نه و معدن وقتی معدن دارد که قابل باشد و این هنوز معلوم نیست از آنطرف در قسمت استهلاک که فرمودند اگر معین نشود تمام منتفی که می‌رود ممکن است با اندازه سرمایه‌اش نباشد کشتن از

اینجا منتف مختلفه دارد مالیاتی که ممکن است ده یا بیست داشته باشد استهلاک فریب هم تازه دیدی و فروش هم داشته باشد دسلا باید این منافع را نگاهدارد در یک مدتی که محل احتیاج است و در بک فصل همین بروش براند پس سرمایه در سال بگردد بیشتر کوشش می‌کند و بک همچو سرمایه بک چنین منتفی برایش خواهد نیست بک چنین مبلغ صدی سیست از برایش خواهد کم است بنظریکه آقای رئیس محضر کل ساعت فرمودند بزرگترین ممانعی است که از برای صاحب امتیاز در نظر گرفته شده است و صاحب امتیاز قبول کرده است و بپسندیده بده صاحب منتفی است که باو داده شده است یعنی این از برای صاحب امتیاز چندان منبند نیست بلکه از برای مردم و مصرف کننده فایده‌دارد والا برای صاحب امتیاز منافی نخواهد داشت

رئیس - آقای افسر
افسر - در این قسمت در اصل ماده بنده در واقف فقط بک سؤال دارم اگر برای آقای کازرونی توضیحات آقای طهرانی کافی است که عرضی نعدم والا توضیح بدهم در این قسمت که نوشته شده است صدی سیست عایدی دارد سهم صدی پنج دولت از کدام پستی خرج میشود از اصل خارج میشود و صدی سیست عاید صاحب امتیاز میگردد و منتف او میشود یا خیر از مدهی نیست. هر صدی پنج دولت داده میشود این را توضیح بفرمایند

مخیر - صدی پنج هم جزو مخارج است پس او باید مدهی نیست بسیار بفرود و صدی ده مال دولت است

رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - اولاً این عارضی را که بنده میگویم موافق با این لایحه ولی برای اصلاح و بعضی توضیحات است که عرض میکنم در این ماده چهار بنظر بنده غلطی که ملاحظه قیمت ذغال درای دولت و مردم معین شده است این بک لایحه ندارد که دولت ذغال را از آن فریب بخرد مردم ذغال را کران تر بخرد در صورتیکه دولت صدی

پنج از عواید را بگیرد موجهی ندارد که او ذغال را از آن فریب بخرد هر حال باید که هر دو صدی ده باشد یا با هر دو صدی بیست. علت اینکه دولت ذغال را از آن فریب بخرد و مردم کران بیست خوبت توضیح بفرمایند
مخیر - عرض کنم این هم مثل بک حق است همانطور که دولت در امتیاز صدی پنج حق بگیرد البته این هم بک حق است که از برای خودش در دادن این امتیاز منظور میدارد مثل معاف صدی پنج و چون موافقت حاصل شده است و دولت هم از ده بیشتر نکرده و در واقع این بک اقل منافی است که برای او منظور شده و این بک حق است که برای دولت قبول کرده است و در امتیاز دولت با او شرط کرده است و مثل همان موضوع صدی پنج است که بک همچو حق هم علاوه بر آن حق از برای خودش گرفته است و این البته بمنفعت دولت است و باید موافقت بفرمایند بضر مردم هم نیست.

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود.
ماده ۹ - سایر شرایط این امتیاز مطابق مواد ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ قانون معمره ۱۳۰۹ راجع باقیباز ذغال سنگ اطراف شهر مشهد خواهد بود.
رئیس - باید رأی بگیریم عده هم کافی نیست. آقای احتشامزاده.

احتشامزاده - ماده که خیلی محل احتیاج است آن مبدأ تاریخ است و در اینجا ذکر نفعه و بنده عقیده‌ام است که باید ذکر شود و مبدأ تاریخ را در امتیاز معین کنند و در این لایحه بطور کلی نوشته شده است و ابتدای مدت را معین نکرده است مبدأ تاریخ را معین نکرده است
مخیر - اینهم در همان قسمت مواد امتیاز ذغال سنگ مشهد اشاره شده است و بان معین کرده است لیکن از تاریخ امضاء مقابله نامه بین دولت و صاحب امتیاز در یکی از این مواد هست چنانچه نوشته شده که

ماده دو و ۹ - و چهار و پنج یکی از مواد است که مابقی قرارداد را در بین کرده است و مبادی ما هم عرض میکنم که ماده ۲ قانون امتیاز منهد است.

رئیس - آقایان! سکه بها ورود در شور دوم این قانون موافقت دارد قیام برمانند (عقاب قیام ننوده) تصویب شد.

۳ - قریب دوم لایحه اصلاح قانون انحصار بارک

رئیس - شور دوم لایحه اصلاح قانون تریاک لایحه بمجلس است و توزیع شده ماده اول قرائت می شود؛ ماده اول - کلیه الایات و لایاتی که تاکنون در وزارت تریاک داشته اند منتهی بساحتی که در سنوات اخیر یکپسخته اند در هر سال سه ماه قبل از شروع زرع تریاک از طرف وزارت مالک اجازه ذرع داده می شود.

رئیس - آقای بیبا.

مطالبی دینا - البته نظر دولت از تقدیم این لایحه تقابل ذرات تریاک است و بنده هم کمال موافقت را دارم که این سه مهلت روز بروز کم شود ولی بدینوسیله است پنا قانونی که تقدیم مجلس می شود راجع به تحدید کشت تریاک و ایتال آن باید ترتیبی باشد که برای مردم اسباب ذمحت نشود اینده اول پنا ترتیبی نونته شده است که ممکن است برای مردم نوعاً ذمحت تولید شود نونته است؛ (کلیه الایات و لایاتی که تاکنون ذرات تریاک داشته اند منتهی بساحتی که در سنوات اخیر یکپسخته اند در هر سال سه ماه قبل از شروع به ذرع تریاک از طرف وزارت مالک اجازه ذرع داده می شود) این معلوم نیست چنی ظاهر این عبارت این است که مجبور بوده است در یک محل حال ذرات تریاک ولی پنا یک محل حال هم هست که دو سال سه سال پنا از این مثلا ذرات تریاک شده است عبارتت یک قدری مجمل است لیکن است با یک قدری اسباب ذرحت شود برای اشخاصی که دو سال قبل یا یک سال پیش از این شروع کرده اند حتی بعضی محل حال هست که یکسال قبل ذرات تریاک داشته اند تکلیف آنها چیست؟ ممکن است این ماده اصلاً شامل این قبیل اشخاص که یکسال پیش دو سال پیش ذرات کرده اند نبود یکی هم واجه و

تیمه است. این باغات شخصی معلوم نیست که مقهور از باغات شخصی چیست باغات شخصی مدخل باغات دولتی است البته این که مقهور نیست پس باغات شخصی مقهور چیست؟ در اینجا مقهور معلوم نیست در پنا محل دولتی باغی هست که الحاقی فقط باغ به آن می شود یا یک جای مقهوری باشد که اشجاری داشته باشد او با باغ میگویند اگر خالی است و مقهور نیست و او اشجاری باشد باغ نمی گویند ولی ممکن است در پنا عمل فردا ما مورین مالیه جدا از تصویب این قانون باشد ذرات در یک باغی که مقهور نیست و مقهور هم بوده ذرات تریاک را باید بگویند اینجا باغ است و البته مقهور هم بوده است ذرات تریاک در آلیا آنوقت اول ذرع شود عقیده بنده این است پنا توضیحی در مجلس داده شود که مقهور از باغات شخصی چیست وجه قسم باغی شمع است وجه باغی شمع نیست عقیده ام این است که باغات شخصی که در حکم خانه ها است باید شمع باشد ولی پنا باغی که مقهور بوده است در حکم خانه های شخصی نیست منتهی مقهور است و چند تا دخت دارد یا مقهور هم نیست باز دخت دارد آن را باید شمع داشت بقیده بنده.

ولی - در اینجا باغات شخصی که در پنا آنرا عرض کنم عرض میکنم که اولاً لایحه خیلی مدت مدیدی مانده است یکبار شش ماه است و نهایت احتیاج است و هر روز اسباب اشکال است و ترتیب انحصار کا پنی اجرائی نمی شود و هر ترتیبی هست خواه منتهی خواه منتهی که توجیهی برسانند که این تمام شود و باطل ملاحظاتی که تصور می رفت در کمیسیون ملاحظه شد تصور نمیکنم که شاید اشکالی هم باشد که در کمیسیون شده اند باشد اولاً بعضی ها را بکلی آقایان حذف کرده و با هم موافق کرده ام نهائی که خیلی اشکال داشت و آنها را حذف کردم ولی این ماده اول هیچ نوع ذمعتی را تولید نمی کند این عین همان مطلبی است که از قلم برود مگر اینکه کسی عقیده داشته باشد که آنها را هم که تریاک کاری نمود آنها را هم بخواهند شروع کنند

تیمه بکارند باید سریع عرض کنم که البته ما هم مخالف شیم حالا از تمام مواج و اشکالات دیگرش سر منظر می کنم بعد از این که تریاک می کند در ملک ایران گفته میشود این بعد کافی در دو ندارد این زیاد بگردن پنا چیزی همین برای کندم و جو پارسال و پارس سال مقهور در ذرحت بودیم اگر بنا باشد که کندم و هم بدنام جلالت دوربر اینک هست مثل - الهای قول عمل باید اسباب بدینوسیله است هم زیادی میگویم. این با عرض کرد چندین مواج نمودم و اسباب دیگر است که زیاد ذرات تریاک را دست داد و باید در آنها بدینجهت بود کرد. حالا که اینجا در محدود ذرحت نیست حالا از این میگویند اگر کسی در ذرحت با بدینجهت را در هر چه با باغی شروع کردیم و باز پارسال که در کمیسیون خوب است جاو گیری بکنیم خوب اصلاً بکارده شما می فرماید حالا که دو سال است یک سال است شروع کرده این غیر از این است که در امتنان اصلاً حکم کنید را پیدا کرده سه سال است که بکارند حالا بمنتهی خواهند مثل چاکبازی آزمایش میکنند و یک جریب و جریب را خواستند بزند این طور عمل می آید این را البته باید بکارند اما در آن لایحه که می فرماید بساحت تریاک کاری چطور بدست می آید از این باغ خاطر آقا کمالاً بدین ملاحظاتی که بعد یک گز هم باشد مرتب و نظم اسبابه دارد در پنا لایحه منتهی جروش و ذرع برش اصحابه مرتب و نظمی دارد. بداند چه اندازه نوشته بود همان اندازه هم به آن شخص اجازه داده می شود منتهی باید این اشخاص مزاحم جدید که نشود این فکرها هم در کمیسیون همه اش شده است اما مسئله باغات شخصی که توجیه شدیم که آقایان افسر هم در نظر داشته با آقایان افسر نبود این را بنده نمی دانم و کان میکنم هیچ اختلافی در نظرم با زیاد و بیضامان بچه عبارتی که کرده ام که در این است که زیاد میگویند است که حرفی نداریم اگر با باغات شخصی که می گویند در آذربایجان هم داریم خیلی اشخاص در شیران هم باغ دارند توشی لایحه نیست باغ دارند برای اشجاری است باغ عبارتت اینها را دیوار زیادی اشجاری و غیره دیگر اگر طبع بکنند

رئیس - آقای ملک عدلی.

ملک عدلی - عرض کنم ماده اول لایحه با اینکه دقت هم شده است که خوب نهی شود بیاز بنظر بنده طوری نیست که دفع اشکال و برای زارعین کرده باشد بودی اینکه ما خودمان در عمل هستیم و ممالک ما در پنا ما دیوارها را با لکین و زارعین مشاهده میکنیم از این قانون بکلی صورت خوبی دارد ولی وقتیکه بدست میکنم اوین مالیه دور دست اتاد آنوقت خیلی بد اجرا میشود و یک شکلی تولید میکنند. اینجا در ماده اول ذکر شده است که سه ماه قبل از فصل تریاک اجازه ذرع داده میشود. این اجازه ذرع بچه کیفیت داده میشود. این یک کلمه بیوهی است مثلاً در یک بلوکی در امفوان یا در کرمان هست که بیست فرسخ است تا مرکز که اوین مالیه با باغها و مالیه آلیا عبارتت این لایحه که در بیست فرسخی آنها میخواهند ذرات تریاک بکنند او بچه وسیله و طالع میشود سکه و جواز است با نوزع است. این اجازه را وزارت مالیه بچه وسیله یا ابلاغ میکنند این کلمه بیوهی است اگر مقهور را این باشد که اصلاً ذرات تریاک

تالییه از این برود و بکلی موقوف شود بنظر بنده این ماده خیالی خوب تأمین میکند این منظور را ولی چون این منظور را نداریم و دولت موافق نیست و آید است منصرف کرده است ذرع نریاک را و بنا قاطع منتهی حالا که بنا قاطع منتهی ذرع نریاک را انحصار داده بنظر بنده ما بداند برای ذرع نریاک بوسیله ادارات تابعه آن مجاز اطلاق بود و دیگر محتاج نیست که آن ذراع باید اجازة ذرع بگیرد بالاخره ذرائعی که در دست فرسخی نیست است از هیچ جا اطلاق ندارد و بکفر آدم با-واحد نباید بداند و اجازة بگیرد و آن تشریفات را چهل وارد کرد که در قانون در نظر میگیریم قانون را باید با افکار مردم اساساً وضع کرد. عرض کردم اگر آقای وزیر مالیه ما را نباشند و اصلاح صلاح نمائند که ذراع نریاک اصلاً در مملکت باشد برای اینکه سیاست مملکتی اجازه نمیدهد این بنا موضوعی است لایحه برداریم و باورده و الا این در عمل تولید مشکلات میکند و غیر علمی است ممکن نیست پیشرفت کند برای اینکه ما باید تمام انضامات و تحسینات را که حالا الحاقاً موقوف شده اند در اثر حسن توجه آقای وزیر مالیه اینها بنا اختصاصی هستند که بن بنا اشکالی نمیکنند فردا میگویند که تو بیامدی صورت بدی اصلاح بدی ذرع نریاک کردی و امثال این قانون و ماده که در این لایحه هست ناقص نشانه می شوی و آن بچاره دچار اشکال می شود بقیه بنده اولاً در ماده اول باید طوری کرد که در عمل قابل اجرا باشد و بنظر بنده جز اینکه ما در این ماده مقدم کنیم که ما با پایانی که تاکنون ذراع نریاک داشته اند وزارت مالیه سه ماه قبل از ذرع نریاک با مالی بلوک ابراهیم کد راه دیگری نیست و آنجا مجاز هستند و غیر از آنجا مجاز نیستند بنا اجازه کنی بطور کلی داده شود این نظر بنده است در ماده اول و دوماد هفت و هشت این لایحه هم بنده ایراد و اعتراضی دارم و در جدول اولی هم عرض کردم در این جدول هم در موقوف خود من عرض میکنم

جدول اولی - اول هم عرض کردم مکرر صحبت شده

است هر وقت ما ملتفت بشویم که واقفاً بنا اشکال میباید است برای اصلاح آن حاضر هستیم و در این لایحه مخصوص هم دست از اولاً آخر مطالعه شده است و بحث شده است بازم چست وسعت می کنیم ولی بحث صحبت ها منی براسل قاهم و تمام است. عرض کنم که در کمیسیون هم مذاکره شده است در مجلس من شبلی مذاکره شده و عرض کنم که بطور کلی منظور یکی است و آن هم که منظور یکی شد هر چه برای راک می خواهید بگویند بنده قبول می کنم می خواهید فرمایند امین مالیه شاید نتواند اجازه بدهد این راه نمیشود مملکت است بنده این هم دردمه است و هم وقتی شما اعلام می کنید که ساختن فلان جا در کلبا پیکان یا در فلان ولایت فلان قدر ساختن ذرع خود آتوق چطور بدون جواز می توانید فرمائید اما کبدا هر کس ذرع کرد کرد بود سال آتی می بیند مساحت دو برابر شده است آتوق جریمه میگیرد و اینک این می شود غیر از اینکه بایند و جواز آنها بدهند و آنها اجازه بگیرند آنها را که سابقاً می گشتند آنجا مجازه بگیرند یعنی بمالک اجازه بدهند مملکی که سابقاً آن کشته می شده در ماه سوم هم ملاحظه فرمایند منتا اگر عبارت واهم می خواهید بنویسید بفرمایند که خما امین مالیه مجبور باشد که اجازه بدهد اما اگر اجازه نباشد و اظهارنامه باشد از کجا برآید که مساحت ذرع اصل چقدر است که برای کلی مساحت بدو ولی اینها کجاست می کنند اجازه را و وقتی آن مساحت طرفین کجند دیگر اجازه ندهد. ما اینجا نوشته ایم و شرط شده است که جواز های ذرع از طرف ادارات مربوطه به آنرا می گشتند در درجه اول داده شود و آنها مقدم باشند اگر آنها نیاوندت و تا اواخر مدت زمین خالی ماند می تواند یکس دیگری که تازه می خواهد ذرع کند بدهند و الا به آنها که سابقاً می گشتند باز بدینا تقدم بدهد پس در این جا هیچ اشکالی بنظر بنده وارد نیست (عذر از نمایندگان) - مذاکرات انشائی عده دیگری - کالی

ولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اولاً عرض بنده راجع بنده کفایت مذاکرات است. لایحه که آقای وزیر مالیه می آورند هیچجهت

برای اصلاحی است که اسطفا کهای مأمورین مالیه و برجه اکثر می کند و تهیه می کند اشکالی را که بوجود است در این قسمت لایحه نریاک هم چونه این مسئله خیلی مهمی است که بنام ملاکین و ذارعین و یکی از صادرات مهم مملکتی اسطفا دارد مقتضی این است که اجازه داده شود بنا مذاکراتی که لازم است در این لایحه بشود زیرا که اگر ملاحظه فرمایند تاکنون چندین دفعه این قانون عوض شده است. این برای چیست؟ برای این است که ممالکی که هست گفته نمی شود و در موقع عمل باز مجبور میشوند که قانون را اصلاح کنند و بنا وقت دیگری را میگیرد پس بهتر این است که از تجربه های که شده است و خواستند قانون را اصلاح کنند نتیجه بگیرند و اجازه بدهند که عراضی که هست شود مذاکراتی که هست گفته شود که باید نظر گرفتن این اشکالی که هست رفع آنها را در نظر بگیرند و لایحه را تطبیق کنند (صحیح است) حالا اگر اجازه داده می شود بعد عراضی که دارم عرض برسانم. عده از نمایندگان - فرمایند آقا. فرمایند.

ولیس - عده برای مذاکره هم کافی نیست رأی هم باید بگیریم بکفایت مذاکرات قدری تأمل فرمایند.

(پس از دو دقیقه عده برای رأی کافی شد)

ولیس - رأی میگیریم آقایانی که مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام قیام نمودند)

ولیس - معلوم میشود کافی نیست.

السر - صحیح است هنوز مذاکره نشده است که کافی شده باشد

ولیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در شرح اول این قانون عراضی عرض کردم که نسبتاً لایحه را کمیسیون بنا تقریبی در شرح داده است اما کلاً نظر بنده تأمین نفعه باقی اینکه عرض دولت از این لایحه آنچه بنده می فهمم بعد از ذراع نریاک است و حدود کردن این ذراع است. بنده بنا عراضی در شرح اول عرض کردم که بنا

دو نفر سه قاهم در اطراف آن شد یکی اصبح عرض کردم که از اینها سالی پنجاه کرو از نریاک منی از ذراع نریاک استفاده می برند و انقاع می برند گویا آقای فاطمی توجیه فرمودند برایش بنده و بخالدشان که می گویند از صادرات این بود که بعد خدمتشان کبدا عرض کردم که خبر کلش مالک کرماک کاتبی نوشته است الا آن هم این جا بنده همراه آوردم و او ثابت کرده است بحساب عدد و رقم که ابرازها از ذراع از مالک از ذراع نریاک از رعیت از نجران ناوکی که حمل می شود نریاک در هر هفته بلکه اگر کس مستهالی که پیش تجار دادوستد می دهد و آنها را هم حساب کنی پیش از این میلیون تعاونان می رود

ملت ایران از زراعت نریاک این یک موضوع عرض بنده بود و البته بنده هم موافق بنا حدی در مقابل نریاک که آنرا ما عملی کردیم و ذراع می کردیم کافی شد و اگر می شد این را بر می داشتیم بنده دیگری را جایز نمیگذاشتم این عراضی خوب بود لکن عیاضاً می بینم چیز دیگری هم که نداریم و صادرات ما هم تمام برزکس این است این راهم داریم بنا تقریبی برایش فرام می کنیم که اصلاً ذراع نریاک شود جایز هم که چیزی نداریم تجدیلات هم که زیاد است پس من نمی دانم از کجا باید جمع و خرج این ملک را این مردم بدهند و این ملک اداره شود بنا موضوع دیگری هم این است که همانوقت در شور اول خارطم هست که آقای دکترملاک زاده هم چطور کرده بودند که بنده گفتام که نریاک و باید خیلی ذراع نریاک بعد فرمودند که باید جدت کرد نوع برتری کرد و این هم مالک را باید از دنیا برداشت البته خود ایشان بهتر می دانند که نریاک مواد زیادی دارد که بیشتر در دواینها با مصارف طبی می رسد و مصرف می شود و این ایشان خودشان بهتر از بنده فقیه است. بنده حالا نمی شود بطور کلی گفت چون در بنا راههای دیگری و در بنا موقوف بود موارد غیر مناسب استعمال می شود کلاً جویگری شود. البته نریاک مصرف طبی زیاد دارد و دنیا وید تمام دواینها و مطبها و مرغیها استعمال و عدل می شود و از این جهت نمیشود گفت که محصول نریاک نوعش بد است و بر فرض این که

پولگرم پیش هم بد است و بطور کلی باید این اسم را ما برداریم بسیار خوب لکن این در صورتی هست که چیز دیگری داشته باشد چنانچه آن بکارگیری ولی اگر برداریم و چیزی جایگزین نگذاریم که نمی شود. باین ترتیبی که این لایحه تقبیل شده است خاصه ماده اول طوری تنظیم شده است که در عمل چون عملی غیر از صحبت کردن در این جا است مثلا فرس فرماید که وزارت مالیه می بیند می کند که در فلان پول و فلان محل اقتدار ارضی این وزارت تریاک شود البته این را جز بایشان را که نمی تواند همین کند خوب این کار می ماند دست کسی ؟ در آن جا البته آقای وزیر مالیه که طرف اطمینان همه مستند و البته نظریاتشان هم قابل تقدیر و تصدیق است که تشریف نماندند بلکه می خواهم عرض کنم امین مالیه هم نسبت به کلیه شیاهت در آن جا و یک نظر داشته است و ولایت اختیاری هم دست این آدم آمده است که باید پنج هزار جریب زمین داین پولگ کشت بشود و مالکین هم باید بروند از او اجازه بگیرند مأمورین راه ما می شناسیم معلوم است هر کسی که دلتش می خواهد جنگ جوواز میدهد هر کس دلتش نمی خواهد نمی دهد و این پلک اشتکالات استعدا می کند مجموع فرمایند این عرضی که بنده میکنم از روی تجربه و عمل است رجوع فرمایند پدرت محاکمات ادراری مالیه بپوشید چقدر از این اشخاص محاکمه شده اند ؟ در ظرف ۵ سال ۱۲۰۰ نفر خود بنده در محاکمات مالیه بودم از همین اشخاص محاکمه شدند که هینطور تبعیض و هینطور کارها با مردم کرده اند و حالا هم عرض میکنم باز همان اشخاص همند عوض که بنده اند یکی مأمورین است که در عمل رفته است و سی تومان چهل تومان حقوقش است می گوید داین پولگ بطور کلی باید هزار جریب دو هزار جریب ذرات تریاک بشود دیگری نمی گوید که مثلا بنده که رفتم جوواز خواستم این باینده مساعدت اجازه یاضد جریب میدهد یا نا آفرینش کنید ساعدت نیست جوواز نمی میدهد و این بیانشکل بزرگی که در سواد تولد می کند و باید قانون را آقا بطوروری نوشت که تواند اسباب سوء استفاده مأمورین واقع بشود (صحیح است) این پلک موضوع

در قسمت جوواز که فرمودند باید به آن اشخاصی که سابقا وایه می شد داده شود همانطور که فرمودید در ماده هم هست تا تبیینی شد کار پیش نباید این جدا جدا مسموم است و من می گردم است می نویسد (وزارت مالیه مکلف است صورت تقسیم مساحت مقررده در ماده پلک را تا آخر امرداد هر سینه بوسیله ادارات انحصار تریاک ایالات و ولاایات بمطالع عامه برسانند و نیز مراقبت نمایند که جووازهای ذرع از طرف ادارات مربوط در درجه اول بزادعین مطهالی که سابقا ذرات تریاک داشته اند داده شود) این جاها می آید در بخصوصا کردیم که حق تقدم برای آنهاست که این ذرات را داشته اند و البته در درجه اول به آنها باید اجازه داده شود و بعد در قسمت ثانیه همانطور که آقای وزیر مالیه هم اظهار فرمودند اگر آنها را می گمانند اجازه نخواستند و یک قسمتی خالی ماند و یک اشخاصی که چندینا می خواهند بکارت بدعند. پس این دروداده نوشته شده است حالا اگر آقایان دقت فرمایند در این ماده می شود عبارت بهتری نوشت که این مقصود را برساند فرمائید چون بقصد بنده آن مقارنیه که آقا فرمودند در این جا ناین شده است. اما در قسمت ثانیه این گفته است که قسمتی است که ممکن است بطور کلی یک اختلافاتی پیش آید و جلوگیری های هم البته می شود ولی سریع عبارت داده نظر بنده این نظر را می رساند در قسمت باغات هم باید هم که فرمودند مقصود از باغات باغی و خانهدای تفریحی است بقصد آنکه تفریحی هست و در واقع حکم خانه های اشخاص را دارد. (تبریر نمود - در آراء رعیت که باغ تفریحی ندارد) قدری تأمل فرمایند. بعد ملاحظه فرمائید یک باغیانی هست که حکم خانها دارد و باغ گردش و تفریح است مثلا امروز فلان شخص یک خانه در طهران دارد یک باغ تفریحی هم در خارج شهر دارد و بنی است که حکم خانه را دارد پس نظر در این است که آن خانه ها و باغیانی که تفریحی است و در حکم خانه است در آن جاها نگارند برای اینکه مأمورین دخالت نداشته باشند زیرا اصل تفتیش آن ها ممکن نیست و خیلی

مشکل است ولی در دعوات و در قسمت پولگ البته پلک جاهایی دارد که دربار دودش است ولی باغ نیست و قطعاً زمین است مزروعی یا باغی یا باغ که آبش مؤید فرمودند که در دعوات هست و باغ تفریحی نیست و باید آن جاها یعنی در جاهایی که محل ذرات بوده است و ذرات می شده است باز هم این اجازه داده می شود و ممکن است اگر باز این قسمت را ولایت ترتیبی برتریب دیگر عبارت را بهتر می توان نوشت که این منظور و این مفهوم را آن بنده نماینده مأمور واقعیم والا نظر همان نظریات است که آقایان هم دارند. (صحیح است)

ولیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - هر کسی مسالی را از یک نقطه نظری وزیر باغ و مطالعه قرار می دهد. همانطور که آقای وزیر مالیه این لایحه را از نقطه نظر تبدیل بودجه و عوائد ملکت مدنظر گرفته اند و بعضی از آقایان هم از قضا ناز ذرات تریاک و مالک و ملاکی صحبت کردند بنده هم خودم را موظف میدانم که از نقطه نظر صحیح عقاید خودم را در اطراف این لایحه عرض کنم - در وقتی که خود اول این لایحه بود بنده مطالبی عرض کردم که تمام مباحثی می شناسم که اشاره کردید و بقیه دارم و امیدوارم که تمام مباحثی شورای ملی و دولت هم با نظری بنده که عبارت از کم کردن محصول تریاک و بالاخره خانه ها و دکانها با استعمال این سم باشد موافقت فرمایند بر بنده حقیقتاً بطور قطع و مسلم ثابت شده است که دو چیز موجب ضرر و سلب انحطاط مادی و منوی ملکت شده است و باید بنده دولت و مجلس سلیقه است که حتی امکان این ازین که دو چیز جلوگیری کند. یکی مرض مالاریا است و یکی استعمال تریاک. استعمال تریاک هم از هر نقطه نظر در ملکت هر راهی که قوی دوش باشد برای ملکت در استمال تریاک وجود ندارد پس ضرر. در مذاکراتی که در شور اول و هم در این جلسه شد بعضی از آقایان بیانات خوشنادر و باطنی که ملت از کاشت تریاک می بردند که دادند که در سال چندین کرود از این راه عاید ملکت

می‌شود بنده و یک جمله خیلی مختصر می‌خواستم عرض کنم که امروزه دودها ثابت شده است که سرمایه اقتصادیان عبارت از کار است و چیزی که مولد ثروت است در دنیا کار است و هیچ چیز نیست مگر کار که تولید ثروت میکند و ثروت دشمن کار است. و همین دلیل هر قدر که ما از کاشتن ثروت استفاده کنیم از ضرری که از این راه ثروت با اقتصادیات مملکت وارد می‌شود یعنی دشمن کار است و دشمن سستی و عمل است از این نقطه نظر بقیده من ضرر بمملکت وارد می‌شود. از نقطه نظر من هم بقیده بنده بقدری مغایر روشن است که هر قدر پیخواهم در این جا عرض کنم وقت تلف کردن است. نکته دیگر هم که بنده خود را مکلف میدانم متذکر شوم این است که حقیقتاً باید دولت موظف باشد که از هوشی آندی هر اصولی که اسباب اختلال و صدمه به اخلاق عمومی وارد بیارود جلوگیری کند و یکی از مسائلی که سبب فساد اخلاق عمومی شده است عبارت از این قانون قاچاق ثروت است. الا آن روزنامه‌ها مراجعه کنید می‌بینید روزی نیست که چندین صفحه پر نشده باشد از اشخاصی که ثروت را قاچاق کرده‌اند و اینها بر دزدان و جریه و مجازات کرده‌اند و بالاخره یک اشخاصی روی این کار درآمده‌اند و چه خانواده‌ها می‌دروری این موضوع قناتشده اند بالاخره صدمات اخلاقی و صدمات منوی این قانون نسبت بافرازد این مملکت فوق‌العاده زیاد است و بقیده بنده دولت موظف است که از این راه جلوگیری کند بنده اولاً ابودادم و اردوئندم که ثروت در این مملکت دیگر کاشته نشود و استعمال ثروت در داخله (امریتیوم و مسعود تانی ... می‌بیند آقا. صد هزار نفر می‌بیند) حتی در خارجه ولی مطالب را باید نادیده گرفت که دولت بخودش بگذرد امروزه منافعی که دولت ایران از ثروت می‌برد یکی از پایه‌های مهم بودجه مملکت ما را تشکیل میدهد و البته ثروت یک وسیله جدید پیدا نشود نمی‌تواند دولت از این منفعت و ... صرف نظر کند ولی بقیده بنده اگر از قسمت تجارت ... می‌بیند آن نمی‌تواند صرف نظر کند دولت راجع باسته‌مال ثروت در داخله اگر حالا

بروجردی -

عرض کنم. و رئیس - آقای بروجردی عقابند؟

و رئیس -

بروجردی - عرض کنم همانطور که در لایحه نوشته شد که وزارت مالیه اجازه می‌دهد یزادین ثروت که چون لایحه تمام حدود ثروت کاری در مملکت من است و معلوم و مطابق همان چیزی که ساحتش همین است و هر قدر ثروت کاری بهمان اندازه اجازه بدهند که کاشته شود این بسیار خوب اما ملاحظه فرمایند الا آن یک نام

از مجال هفت فرسخی ده فرسخی باید سه ماه قبل از زراعت ثروت باید بشهر مجاورش و جواز بکردن چند مترمربع زمین است و تا باید شهر و جوار یکصد هکتار باید طول بکشد و معطل شود ؟ تا آخر دشتن برسد اداره مالیه محل و جواز مطالبه کند و قاننا بدهد و تا تحصیل جوازگتبی مدتها طول می‌کشد و زمین دارد الا آن حضرت مستطاب عالی دست ملاحظه فرمایند اگر همه جا طهران بود و مجلس بود و آقای وزیر مالیه تشریف می‌داشتند هیچ اشکال نداشت ولی در هفت فرسخی و ده فرسخی چند فقر رعیت ثروت کاری خواهد بیاید بشهر و تحصیل اجازه کند بعد جواز گتبی بگیرد و برود سرکارش این مترمربع هکتار معطل و اشکال است ؟ و بعد هم اینطور نیست که هر قانونی که این جا می‌گذرد عرض کرده‌ام در بعضی عمل بشود شاید حضور آقایان هم تامل فرماید چه در قانون یکمیزد مسلم است که

بهرج عنوازی از اراضی بیاید حالیات آب بگیرد بروجرد باینکه اراضیش جدیداً میزری شده است از هر جریب زمینی هفت هکتار می‌گردد و هفت قران پول می‌گیرد مذلک آیش را آندادند و گذاشتند در مزایده ۲۴۰۰۰ تومان اسمال پول آب مزایده از مردم میگیرند هر مالکی می‌تواند جریبانش را بدهد از اقلرف هم آندادند و بیگوید برای هر جریب یا دو قران سه قران پول آب بدست و هفت هکتار است که بنده از جناب عالی وقت خوانستم که نظام بروجردیا را برضایتان برسانم فرمایند وقت نیست خوب بنده که در طهران هستم و دستم بر کار می‌رسد آن زارع بروجردی بچهار دشتن یکجا برسد و از یکی و جنطور اجازه بگیرد و چه خاکری برش بکند ؟ بدهم بقیده بنده موضوع باغاتی را که میفرمایند مشکل است. در تمام شهرها متعارف است که باغ باغات فعلی هست که اینها هم اشجار دارد و هم مواد دارد و هم زمین زراعت ثروت می‌کنند و جوست و شخصی هم عمل از باغ هم مالک اشخاص است آقایانی که از بروجرد بروجرد فرمودند مشاهده فرمودند که وضع باغات بروجرد شخصی است و هر کدام سی جریب چهل جریب باغات است بیکفشار فعلی از اینها من است

پنده عرضی ندارد و در اصل مقصود و منظور اختلافی نیست آن مساحت را که می فرماید منتهی آن مساحت باید کاشته شود و در آن ولایاتی که می کاشته اند همین است و ذراع آن محلی هم که بد آن محل کاشته می شده حق قدم وارد اجازه هم بخواهد داده می شود و اجازه هم برای این است که حسابش و مساحتش و احصایایش در دست اداره مالیه باشد و اگر وقتیکه یک شکتی پیدا شود و یک کسی بگوید که در قافل ناحیه ما اجازه خواستیم و ندادند معالوم بشود . این را هم قبل باید عرض کنیم که هیچ این ممکن نیست و بنده ندیدم و همیشه قوانین در مقام اجراء مأمورین و عمالی در بشی جاها پیدا میشوند که بد اجراء میکنند و این را بنمود گفت و بنمود این نتیجه را ازش استنتاج کرد که چوٹ عمال ما قوانین را بمطابق منظور اجراء نمی کنند قانون نگذاریم . این میشود البته قوانین وضع میشود و برای عمال هم مجازاتی هست (اگر بد اجراء کردند) (صحیح است) و البته هیئت مجلس شورای ملی و هیئت دولت مرکزی و هیئت عمده ایالات و ولایات مراقب و مواظب هستند که اگر یک کسی بد اجراء کرده و مراعات نکرد خیر بدهند و استیضاح کنند و سؤال آند و البته او را متعقب باید بکنند و میکنند هم ولی این دیگر از حیطة اقتدار و اختیار بنده خارج است که هر چه و هر جا خلاف کار زیاد است همه را اصلاح کنیم بلی البته خلاف کار مجازات میشود (صحیح است) اما اینکه خلاف کار چرا زیاد است یا کم است آن دیگر بشته است بزنی با منزل اخلاق عمومی ولی بطور کلی عرض می کنم که هر جا ما معالیم بشویم فوری در سدد جلوگیری و اقدام برمی آیم (صحیح است) و بعد هم برای آبی بنده سر بجا عرض میکنم که اگر یکی از آقایان مطلع میشوند یا خود بنده مطلع بشوم که در فلان ناحیه یک کسی اجازه خواسته است و یک جوی یا وا اجازه نداده اند و دیگری داده اند با وجودیکه آن شخص اولی سابقاً ذراعت میکرد است البته آن شخص را مؤاخذه می کنیم و مجازات میکنیم ولی قانون یعنی احکام

در فرسخ اصلاً معمول است که درختها بایشان بیش از سی سال عمر نمیکند که این درختهایی را که میکارند بعد از چند سال آنها را باید بکنند و جایز است تریاک بکارند نایرسد زمبش بجایمانی که بعد از چند سال بشود درخت کانت بیلاره این زمینها که در دوش دیوار است که بمون از زیاد و از تراجم کما و کورسند بنا بر این بنده است که عبارت اینطور اصلاح شود بنسره متنازل و باغهای مسکونی رفع اشکال میشود حالا همین هر چه بخواهند باشد چون هر چه ذکر کردم غیر از این نمیشد اگر باغ مشجر باشد بنمود اگر غیر مشجر باشد بنمود چنانچه میفرمایند خشک باغ یا حالی باغ بنا بر این بهتر آن است که همان باغات مسکونی را قبول فرمایند و آن اشکال هم که راجع فریق مأمورین بمنازل مردم میکنند این را مردم راحت میشوند و هم اسباب اشکال نمی شود و اینکه آقای دکتر ملک زاده میفرمایند اینجا باک اینها می میشود یکی موضوع استعمال تریاک است . یکی کاشتن تریاک اینطوریکه ایشان میفرمایند هیچکس تخلف نیست بنده میبایم که باک کسی اگر در منزل تریاک بخورد بپذیرد اصلاً این محتاج طلب هم نیست محتاج بمغفالتوجه هم نیست ولی میفرمایند منافی با کار کردن است اگر آقایان تصور میفرمایند که زار بین تریاک تریاک را می خواهند بکنند اینطور نیست اگر تریاک نکارند چه کنند و اینکه میفرمایند کار مولد ثروت است این را هیچکس منکر نیست ولی این مربوط به کاشتن تریاک نیست هر تملکت باید کار خودش را بکند قالی بافی و ولد و ثروت وقتی بخرد چطور مولد ثروت البته کار مربوط باسته مال است وقتی که استعمال نکردند این کجا میکند اگر آنقدر بکارند که عرض میشد زلفناش باشد همه مردم کار میکنند عوض هشت ساعت هم بیست و چهار ساعت کار میکنند بنا بر این برای کار احتیاج بشر هم لازم است و همین جهت است که تریاک را میگویند معمود شود و کسیدند نشود چون تصور میفرمایند فروش ندارد اما راجع بکاشتن تریاک ما ایضاً

تجدیدی ندارد ما میفهمد که دیدیم يك قدری مشرقی هست
 لغوی زیاد کنیم که دیگر قیمت پیدا نکند پس انبطوری
 که ذکر شده است برای این است که مساحتی که تا کنون
 داشته اند باید البته نسبت به کم کردن مهربانجا قبضه شده
 و مطلب دیگری که آقایان میفرمودند این بود که زارین
 قبل از وقت اطلاع دانه باشند و وزارت مالمه بانها اطلاع
 بدهد این مطلب در قانون سابق ذکر شده است که در هر محل
 قبل از شروع زراعت ترابک سه ماه قبل از وقت باید مالمه
 محل اظهار نامه بدهند و شروع کنند زراعت حالا برای هر محله
 چندیدی که ذکر شده است به بنیام اول دولت یعنی وزارت مالمه
 از روی احصایه مالمه که دارد هر چه پیش از وقت بپوش
 ایالت و ولایتی اطلاع میدهد که چند جریب شما حق
 دارید زراعت کنید بعد به موجب آن قانون سابق آن
 اشخاص هم میباید و همان اندازه از مالمه محل اجازه
 زراعت بگیرند پس در اینجا دیگر اشکالی باقی نمی ماند
 که بگویم راجع اطلاع ندارد با خبر ببرد است آنها دیگر
 مورد بیباکی نیستند وقتی دولت همین کرد در هر ایالت
 ولایتی باید بچه مساحت زراعت کنند مردم هم اطلاع
 داشته و آدمیان اجازه گرفته اند دیگر چیزی اشکال و تردیدی
 مابین این مالمه و غیر باقی نمی ماند در قسمتی هم که
 شاهراد توزیع دادند نظر کمیسیون و نظر وزیر مالمه هم
 همین بود که در خانه ها و باغات شخصی نباید کاشته شود
 ولی البته بنگه برای ارانسی هست که عنوانی باغ است ولی در
 آنجا ممکن است که باغ بیوه باشد یا اصلاً هیچ درخت نداشته
 باشد اما سستی از قدیم باغ باشد اینها بیجوقت میخانه
 نخواهد بود از طرف دولت که آن باغ را منوع کند اصلاً
 باید بنگه عیاری توشیحی (با باغ خانگی بگوئیم با باغهای
 که در حکم خانه است بگوئیم منوع باشد) که این مطلب
 را بنامند و البته مقصود همه بجهل میآید و در اصل موضوع
 هیچ اختلاقی نیست ولی باید بنگ عیاری باشد که مطلب
 میفرمود شود و بیلاوه بطوریکه با آقای وزیر مالمه مذاکره
 کردم چون در این ماده قید شده است که به چه ماه قبل

از شروع زرع ترابک باید اجازه بخواهند این دو بین
 ما دیگر بکنند برای این پیدا میکنند بنا بر این يك پیشنهادی
 هم کردم که آن مدت سه ماهی که وزارت مالمه باید اجازه
 بدهد آن را تبدیل کنند به چهار ماه یا پنجاه که در
 سه ماه قبل وزارت مالمه مقدار و مساحت را همین کرده
 باشد و اطلاع کرده باشد بعد در ظرف سه ماه قبل از زراعت
 ترابک هم مردم سنی داشته باشند که بیابند اظهار نامه بدهند
 و جواز بگیرند و کلن میکنند باین پیشنهاد منظور آقایان
 هم بصل آمده باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - پیشنهاد هائی که رسیده است مشغولاً بچیز دیگر
 است و سه چهار تبصره هم هست که تمام آنها در قسمت باغ
 است همه را بیکباره میخوانم.

پیشنهاد آقای انر و چند دیگر از آقایان
 ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنند.
 ماده اول - بنگه ایالات و ولایاتیکه تا کنون زراعت
 ترابک داشته اند در هر سال ناسه ماه قبل از شروع زرع
 ترابک در صورت تفهانی مالکین با زارعین محل وزارت مالمه
 مکلف است اجازه زرع بدهد

تبصره - زراعت ترابک در خانه ها و باغهای مسکونی
 منوع است. - المیر - امیر تبهور - ثانی - دکتر ضیائی
 پودری - انجمنی.

پیشنهاد آقای اشعار و دوفتر دیگر از آقایان
 ماده اول را بشرح ذیل پیشنهاد میکنند:
 ماده اول - بنگه ایالات و ولایاتیکه تا کنون زراعت
 ترابک داشته اند منتهی بی مساحتی که در سنوات اخیر
 میکنند اند در هر سال پنجاه قبل از شروع زرع ترابک
 طرف وزارت مالمه اجازه صادر و بوسیله ایشان
 مالمه در محل ایالات می شود - اجتناب - قلمی
 ملک مدنی.

پیشنهاد آقای طهرانی
 بنده پیشنهاد میکنم عبارت تبصره ماده اول انبطوری
 اصلاح شود:

تبصره - زراعت ترابک در خانه ها و باغات غیر ضروری
 بکل منوع است.

پیشنهاد آقای دهستانی
 پیشنهاد میکنم در تبصره ماده ۱ کلمه باغات شخصی
 حذف شود.

پیشنهاد آقای انر
 تبصره - زراعت ترابک در خانه های مسکونی در باغهای
 تفریحی و باغهای بیوه کاری و نظیر آن منوع است.

پیشنهاد دیگر آقای انر
 تبصره - در بنزول و باغهای مسکونی
 رئیس - توضیحات داده شده است راجع باین پیشنهادات
 نظر دولت و غیره؟

وزیر مالمه - راجع بخود ماده آقای قلمی هم این جا
 يك تذکری دادند بنده مخالفی ندارم که سه ماه زیاد تر
 باشد یعنی سه ماه و نیم یا چهار ماه باشد بیشتر خیر راجع
 تبصره هم هر عبارتی که جا میفرماید بنویسند بنده موافق
 ندارم نظر بنده میفرمودم و است زراعت باغی هست تقریباً
 مشجرات و باغ بیوه است ولی باغ مسکونی نیست و خانه شخصی
 در آنجا نیست در هر صورت منظور عبارت از اینست که
 باغی که محل زراعت نباشد و اینجا هم دانه باشد البته
 این را بهر عبارتی بنویسند بنگه نفس درش هست بنا بر
 این هر کدام را مجلس قبول کنند و متنازه بنده هم مخالفی
 ندارم.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - آقای قلمی توضیحی را که فرمودند
 در قانون سابق در ماده ۴ راجع باظهار نامه است و بحال
 خودش باقی است ولی هیچ اجرا نشده از بوقلمی کاین
 قانون کذب است تا حال که پنج سال است در
 تمام برگ و ولایات که زرع ترابک میشده است آقایان
 نمایندگان اطلاع دارند که در يك مجله نه زراع آمده
 است اظهار نامه بدهد و نه با آورد سراغ او وقتی است
 در آنوقلمی که این قانون از مجلس شورای ملی میگذشت

رعیت نوری آن باغ مسکون باشد آنوقت آن از بین می‌رود
 اما آن عبارت غیر زروعی بنظر بنده بهتر است و نظر
 آقایان را تأمین می‌کنند (افسر - غیر زروعی را همین
 کنید) ذراعت عبارتست از کندم و جو و حبوبات و تریاک
 و غیره اینها مثلا می‌گویند فلان باغ زراعتی است یعنی این
 زراعت مسکون که کندم و جو و پنبه و ترپاک است درش می‌کارند
 البته در آن قسمت باغات و زمینها دولت اشکالی ندارد که
 بکارند اما يك قسمت باغی است که در شجر است و
 زروعی نیست و باغی نیست که بشود درش زراعت کرد
 اما در باغی که زروعی است ترپاک بکارند و این اشکالی
 ندارد بنا بر این هر کدام این عبارات را که میفرمایند
 بگذاریم يك وهایی دارد ولی اگر اکثرا کنیم همین
 زروعی کن می‌کنم رفع اشکال بشود.

اعتبار - اجازه میفرمایند.

رئیس - این مهملی ها اسباب اختلال جریان کار
 میشود. تبصره اصلاح شد.

المس - بله موافقت شد

رئیس - ماده چهارم. همانطور که پیشنهاد شده ؟

وزیر مالیه - در ماده مداخلتی نبود

رئیس - تبصره پیشنهادی را میخوانیم

تبصره - زراعت ترپاک در خانه های مسکونی و باغهای
 تفریحی و باغهای سودگاری و نظیر آنست متنوع است
 (ماده همانند آن - زنگ رئیس)

(۴ - مواقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - بنده راه جلش را عرض می‌کنم و آن اینست
 که اکثریت برای رأی نیست و تعلق قضیه اجباری است
 نهایت این است که برای تک به آقای وزیر مالیه جلسه را
 تفریح می‌کنیم که زودتر تشکیل شود که در این بین يك
 توانایی هم پیدا شود که در روز پنجشنبه در مقابل يك
 کاره مودی باشیم اگر موافقت میفرمایند جلسه آه پنجشنبه
 ساعت سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز
 یعنی همین لایحه

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی. دادگر

حالا هم دولت بهمان میزان اجازه میدهد ممکن است که
 این ده سی جریب بکار دهات دیگر هم با اختیار خودشان
 بکارند آنوقت تکلیف دولت چه میشود تکلیفی این میشود
 که آن زرع را بکلی خراب بکنند و از بین ببرد آنوقت این
 ضرری میشود برای زارع که جیرانش غیر مسکن است
 بنابراین میگویند که اظهارنامه داده شود و تقاضا شود فرض
 بفرمایند در فلان ولایت باید باشد جریب یا هزار جریب
 ترپاک کاشته شود و قنیه که اجازه خواستند البته آنها که
 زراعت داشتند مطابق احصائیه شان هیچ مهملی ندارد
 که باید بهمان اجازه داده شود و اگر چنانچه اضافه از
 میزان سابقشان خواستند آن اضافه داده نمیشود بنابراین
 حالا که محدود شده لازم است برای اینکه اگر این اجازه
 داده بشود ممکن است بعد اسباب خسارت رعایا فراهم شود
 برای اینکه دولت مجبور است برود بگوید چرا کاشتی و
 همین دلیل میشود که از بین می‌رود و يك ضرری زراع
 متوجه میشود بنابراین این سه ماه هم در اینجا لازم است
 قید شود. و آن قسمتی را هم که آقای وزیر مالیه موافقت
 فرمودند که چهار ماه قبل وزارت مالیه بولایات اطلاع بدهد و
 سه ماه قبل بولایات مطلع باشند و تقاضا کنند و مطابق
 تقاضایشان اجازه بدهند همین است که در ماده نوشته شده
 بنابراین بفرمود بنده ماده ترتیبی که نوشته شده اشکالی
 ندارد و آن قسمتی را هم که آقایان پیشنهاد کردند در ماده
 سوم ناامین شده است و فقط چیزی که باید بفرمود بنده
 وجه جمع باشد آن سه ماه است که تبدیل به چهار ماه
 بشود که آن را هم آقای وزیر مالیه قبول کردند
 و بنده هم قبول می‌کنم که در هر سال چهار ماه قبل باشد
 در اینجا هم که نظر آقایان ناامین میشود در قسمت تبصره هم
 چنانچه مذاکره شد هر يك از کلمات و عبارات را بگذاریم
 يك وهایی تولید می‌کنند مثلا میفرمایند مسکونی نوشته
 شود آه يك وهایی دیگر دارد برای اینکه ممکن است
 که يك باغی در آن باغ مسکونی داشته باشد یا اینکه يك